

## دلایل شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰

حسن شمسینی غیاثوند<sup>۱</sup>

راضیه هاشمی<sup>۲</sup>

### چکیده:

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. چنانکه میتوان به موضوع تشدید دوقطبی شدید در آمریکا، بحران مهاجرت، تقابل حاشیه نشینان و شهرنشینان، افزایش مشارکت در انتخابات و تداوم ترامپیسم اشاره کرد. آنچه که از اهمیت خاصی برخوردار است شکست ترامپ در انتخابات - علی‌رغم افزایش آرا و حفظ پایگاه اجتماعی - است. سوال و هدف محوری این نوشتار دلایل ناکامی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ است. در بررسی این دلایل به عناصر مختلف اعم از بلندمدت و ساختاری، کوتاه مدت و بحران کرونا اشاره شده است. گرچه می‌توان اثرات کرونا بر اقتصاد آمریکا را عامل اصلی ناکامی ترامپ دانست، اما مجموعه دلایلی مختلفی همچون شخصیت ترامپ، شکاف‌های اجتماعی، شکاف‌های طبقاتی، شکاف‌های هویتی، نجات آمریکا از بحران ترامپیسم، ناکامی در سیاست خارجی و رفتار رسانه‌ها بخصوص شبکه‌های اجتماعی در شکست ترامپ تاثیرگذار بودند. در واقع بخشی از دلایلی که باعث پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ شدند در انتخابات ۲۰۲۰ در کسب رای برای ترامپ منفی عمل کنند. چنانکه می‌توان به شخصیت ترامپ، جامعه دوقطبی و بازیگری رسانه‌های قدرتمند اشاره کرد.

**واژگان کلیدی:** ترامپ، آمریکا، انتخابات، کرونا، ریاست جمهوری، بایدن

---

<sup>۱</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین ایران

Shamsini\_h@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران  
r\_hashemi85@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱

## طرح مساله

رفتار انتخاباتی به عنوان یک کنش رفتار اجتماعی- سیاسی یکی از ساز کارهای اصلی مشارکت سیاسی افراد در جامعه است. مشارکت سیاسی نوعی فعالیت ارادی و داوطلبانه است که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور سیاسی- اجتماعی خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات سیاسی- اجتماعی خویش سهیم می شوند. انتخابات جریانی رسمی است که هر گام آن از پیش تعیین شده می باشد. انتخابات برای تصمیم گیری مردم یا بخشی از مردم است که شخص یا اشخاصی را برای مقام، پست یا مسئولیتی و برای مدتی معلوم با ریختن رای خود به صندوق های انتخاباتی بر می گزینند. هدف اصلی از انتخابات سیاسی انتخاب نمایندگان مردم می باشد که به آن دموکراسی نمایندگی می گویند. در مشارکت سیاسی مسأله اینست که چه عواملی مردم را به شرکت در انتخابات بر می انگیزاند اما در بحث رفتار شناختی رأی دهندگان پرسش این است که چه عاملی باعث می شود رأی دهندگان به این تصمیم برسند که به حزب یا شخص خاص رأی دهند. آندره زیگفرید را نخستین کسی می دانند که در میان دو جنگ جهانی به بررسی رفتار رأی دهندگان فرانسوی پرداخت اما شناخته شده ترین تحقیقات از سوی مرکز تحقیقات میشیگان انجام شده است. بتدریج بررسی نتایج انتخابات کشورهای مختلف، نمایی کلی از جناح بندی های سیاسی را در نقاط مختلف کشورها نشان می داد. بر این اساس بسیاری از محققان انتخاباتی به عنصر جغرافیا بعنوان یک عامل مهم توضیح دهنده رفتار رأی دهندگان توجه نمودند. بنابراین موضوع جغرافیای انتخابات مطرح شد. شرکت مردم در انتخابات تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد و در هر برهه ای نوع خاصی از رفتار را ایجاد می کند که به آن رفتار انتخاباتی گویند. در نوع رفتار انتخاباتی مردم ایران نیز عوامل زیادی موثرند. از ویژگی های درونی و شخصیتی جامعه ایرانی گرفته تا فضای کلی حاکم بر کشور همه در نوع این رفتار موثرند. همچنین تجربه ناموفق نهادهایی چون احزاب در شکل دهی به رفتار انتخاباتی مردم ایران موجب کاهش مشارکت سیاسی مردم شده و در غیاب نهادهای سیاسی عناصر دیگری در مشارکت سیاسی و رفتار رای دهی مردم تأثیر گذار بودند.

فرکانس های منتشر شده از سوی صاحب نظران امریکایی و بین المللی را نیز باید مزید بر علت دانست، چرا که بسیاری از تحلیلگران، داده های تحلیلی خود را از تحلیلگران امریکایی و یا نزدیک به جامعه امریکا اقتباس نمودند. لازمه جلوگیری از تکرار استمرار اینگونه تحلیل های غیرواقعیانه، گذار از روش شناسی سنتی و ورود به تحلیل های پسا روشی مبتنی بر آینده های بدیل، بر اساس چارچوب های آینده پژوهی، می تواند سامانه تحلیلی واقعی بینانه ای را در کشور فراهم نماید و

چشم اندازهای متفاوتی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کلان کشور رقم بزند. گر چه هر کشوری از ابعاد و ظرفیت‌های پیچیده خود، که در انتخابات تاثیرگذار برخوردار است، ولی در عصر جهانی شدن و رسانه‌ها در انتخابات اکثر کشورها خصوصیات و عناصر تاثیرگذار مشترک شکل گرفته است از جمله این عناصر می‌توان به پوپولیستی شدن بیشتر انتخابات (پوپولیسم فنی)، تحریف افکار عمومی، اتهام فساد به ساختار و رقبای انتخاباتی، رفتارهای عامه پسندانه، زوال کارکرد حزب اشاره کرد. این پژوهش این عناصر تاثیرگذار نوین انتخاباتی را در انتخابات ریاست جمهوری امریکا مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه‌ای از بیشترین فرهیختگان جهانی، نخبگان، تولید علم، رسانه‌ها و... برخوردار بوده است. این نوشتار به دلائل جامعه شناختی - سیاسی پیروزی جو بایدن در امریکا ۲۰۲۰ می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

در دهه گذشته آثار بسیار زیادی درباره جنبش‌های اجتماعی جدید نگاشته شده است که می‌توان به کتب "درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی جدید" دکتر حمیرا مشیر زاده، "عصر اطلاعات" کاستلز، "جامعه شناسی جنبش‌های اجتماعی" دکتر جلالی پور، "جهانی شدن و جنبش‌های اجتماعی" جان گودری و... اشاره کرد. همچنین چندین مقاله درباره جنبش‌های اجتماعی منتشر شده است. البته مقالاتی در سایت‌ها و روزنامه‌ها درباره دلائل پیروزی ترامپ از سوی نویسندگانی همچون جوزه نای، کیسینجر، چامسکی، فکوهی و... نگاشته شده است. ولی باید خاطر نشان کرد که در این آثار بطور مستقل به موضوع هویت و ویژگی‌های آن و بخصوص درباره آینده گفتمان هویت در جنبش‌های اجتماعی جدید و تاثیرات آنها بر انتخابات از جمله امریکا پرداخته نشده است.

### ماهیت انتخابات

تبدیل شدن تلویزیون و اینترنت به بازیگر اصلی انتخابات استفاده بسیار زیاد از بازاریابی سیاسی و با شکل‌گیری تجارت سیاسی در انتخابات. با این توضیح که در انتخابات و یا حامیان آنها از فنون و شگردهای تبلیغاتی اقتصادی و تجاری در جهت پیشبرد منافع سیاسی بخصوص در انتخابات استفاده می‌کنند.

پیامد این تحولات، از نظر کاستلز، شکل‌گیری مدل‌های تازه دموکراسی و مشارکت در امور ملی و بین‌المللی است. کاستلز خود اذعان می‌دارد که "به واسطه تاثیرات پیچیده و متقابل انبوه ارزش‌ها، مقولات معرفتی، شبکه‌های معنایی محلی و بومی، امری بسیار دشوار است که هنوز چارچوب‌های نظری آن با دقت درخور مشخص نشده است". (کاستلز، ۱۳۸۹، ۹۸) همه این

نظریه‌ها نقاط مشترکی دارند که همین نقاط مشترک سبب گردیده تا در این پژوهش رسانه‌های نوین به عنوان یکی از مهمترین و اثرگذارترین ابزارهای جلب مشارکت مورد مطالعه قرار گیرند. بر اساس آنچه که ذکر شد، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوینی مانند فیسبوک و وایبر، محیط‌های تعاملی هستند که کاربران آن در یک ارتباط غیرحضوری همزمان، مرزهای زمان و مکان را پشت سر نهاده‌اند. ویژگی دیگر این شبکه‌ها این است که کاربران، مصرف‌کنندگان و گیرندگان صرف نیستند، بلکه خود نیز با اشتراک گذاری اخبار و پیام‌ها در حکم تولیدکنندگان و فرستندگان آن عمل می‌کنند. علاوه بر تأثیر اینترنت بر حوزه سیاست به این شکل، قطعاً در روزهایی که اینترنت و رسانه‌های دیجیتالی قابل دسترس برای عموم جامعه است و همچنین مورد اقبال عمومی واقع شده است تأثیرات بسیاری بر مشارکت مردم و تصمیم‌گیری‌های آنها و عملکرد دولتمردان نیز داشته است. اثرات اینترنت بر مشارکت مدنی را در چند فرض عمده اینگونه مطرح می‌کند:

۱- اینترنت ممکن است به آگاه‌سازی، سازماندهی، بسیج افراد و گروه‌های به حاشیه رانده شده، جوان‌ترها و اقلیت‌های سیاسی منجر گردد. اینترنت با تأمین فرصت‌های سیاسی از قبیل کسب اطلاعات راجع به احزاب و گروه‌های سیاسی، دسترسی به کنفرانس‌های اینترنتی، گروه‌های سیاسی مجازی، اتاق گفتگو، ارتباط سیاسی دو سویه با مقاومت حکومتی و فعالان سیاسی و غیره در مشارکت سیاسی تأثیر گذار باشد.

۲- اینترنت به مثابه تریبونی برای احزاب و گروه‌های سیاسی معترض و اقلیت، می‌تواند به تضعیف حکومت‌های اقتدارگرا و گسترش دموکراسی کمک کند. گروه‌های سیاسی و فعالان سیاسی از طریق این فناوری‌ها؛ فساد سیاسی و اقتصادی، تبعیض‌ها و سرکوب‌های سیاسی و نا کارآمدی‌های حکومت را آشکار می‌سازند و با برجسته سازی این ضعف‌ها، چالش‌های جدی برای این نوع حکمت‌ها ایجاد کند.

۳- اینترنت می‌تواند در اشاعه ارزش‌های سیاسی دموکراتیک، از قبیل مشارکت، آزادی بیان، تساهل، عدالت و غیره تأثیر گذار باشد. گسترش این ارزش‌ها می‌تواند بستر و محیط همدلانه ایجاد کند و مشارکت سیاسی را در سطح جهانی گسترش دهد. (شمسینی، ۱۳۹۰: ۶)

به طور کلی این رسانه‌ها هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در بازی‌های سیاسی ایفا می‌کنند و در عرصه انتخابات تسلط بر رسانه‌ها و بهره‌گیری مناسب از آنها و استفاده از شگردهای عامه پسند، همچون افشاگری پرداختن به امور خانودگی توجه به مقولاتی همچون فساد و دزدی عامل تعیین‌کننده خواهد بود. ویژگی‌های پوپولیست رسانه‌ای: ویژگی رسانه‌ها در عصر حاضر و نتایجی

که برای جامعه داشته‌اند که تحت عنوان پوپولیست از آن یاد می‌شود که البته برخی از عناوین دیگری همچون پوپولیست فنی، پوپولیسم ملایم و بازایابی سیاسی و توده‌گرایی خوشایند برای این موضوع استفاده می‌کنند. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های پوپولیسم رسانه‌ای در عصر حاضر عبارتند از:

۱- اجتناب از بیان حقایق ۲- اجتناب از بیان نادرستی‌ها در رسانه از سوی سیاستمداران و یا به طور کلی از سیاست ۳- افزایش انعطاف‌پذیری در میان سیاستمداران ۴- تأکید بر نمایش و بسته‌بندی و ظاهر سازی به جای توجه به اصول و ایدئولوژی و به طور معمول از سوی اکثر سیاستمداران در شرایط کنونی اتخاذ می‌شود که برخی از این شیوه و تکنیک تحت عنوان مرد دوست داشتنی یاد می‌کنند. تأکید رسانه‌ها بر طبقات عام جامعه و یا مخاطبان عمومی خود، تأکید بر مبارزه منفی یعنی خلق دشمنان سیاسی به جای توجه به ایجاد دوستان و حتی دوستی بین رای دهندگان، جواب سوال با سوال و یا از پاسخ دادن طفره می‌روند و یا پاسخ‌های آماده شده از قبل را ارائه می‌کنند.

- توجه رسانه‌ها به موضوعاتی از قبیل فساد، رسواگری، افشاگری، دزدی و... به جای توجه به موضوعات اساسی و بنیادین و استراتژیک در کشور

- توجه به رسانه‌ها به استراتژی‌های کوتاه مدت، کاهش و یا زوال موضوعات اساسی هم چون جامعه مدنی و قدرت تصمیم‌گیری مردم در رسانه‌ها

- بهره‌گیری از تکنیک‌های رسانه‌ای برای القاء اهداف و جهت‌گیری‌های خاص خود و همین‌طور توجه به امور روزمره و روزانه مردم که این مساله به تدریج تبدیل به موضوعات اساسی مردم شده است.

### ترامپ

مبانی ترامپیسم: مبانی تفکرات و جهت‌گیری‌های اصلی ترامپ را می‌توان در محور ذیل دسته‌بندی کرد.

۱- ناسیونالیسم: ترامپ برای تحریک احساسات اقشار مختلف آمریکا، دارای شعارهایی اصلی مبنی بر ملی‌گرایی مانند «آمریکا را باید دوباره ساخت»، بود.

۲- حمایت‌گرایی اقتصادی: ترامپ برای جذب نیروهای کارگری و طبقه متوسط که شغل خود را در دهه‌های قبل از دست داده بودند، به خروج از پیمان‌های منطقه‌ای تأکید فراوان می‌کرد و در این راستا وعده افزایش تعرفه‌های وارداتی را در صنایع خودروسازی و ... می‌داد.

۳- تبلیغات منفی علیه اقلیت‌ها: ترامپ برای جذب سفیدپوستان، تبلیغات منفی علیه اقلیت‌های

دینی مانند مسلمانان و مهاجران مانند مکزیکی‌ها و ... به عمل آورد.

۴- خاستگاه ترامپ: ترامپ در مبارزات انتخاباتی‌اش، رویکرد «ضدسیستمی» داشت و متکی به آرای اقلیاری مانند سفیدپوستان، نژادپرستان، کارگران بی‌کار شده و سرخوردگان سیستم موجود در آمریکا بود. آنها برای برخورداری از وضعیت بهتر، از ترامپ حمایت می‌کردند؛ اما به موازات نیز بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و خدماتی که دارای رویکرد جهانی و پیوند با سازو- کارهای جهانی شدن بودند و همچنین بسیاری از نوگرایان، مخالفان تبعیض نژادی و ... با او مخالفت داشتند. بنا بر گزارش مؤسسه بروکینگز، کلینتون در ۵۰۰ شهرستانی پیروز شد که ۶۴ درصد تولید ناخالص داخلی و ترامپ در دوهزارو ۶۰۰ شهرستانی پیروز شد که ۳۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آمریکا را تشکیل می‌دهند.

### ماهیت امریکا در دوران ترامپ

همزمان با ورود ترامپ به عرصه سیاست به عنوان رئیس جمهوری آمریکا تحولی در انگلیس اتفاق افتاد و آن، خروج از اتحادیه اروپاست و انگلیس هم برای یافتن شرکای تجاری و هم برای یافتن شرکای سیاسی‌اش تلاش می‌کند که متأسفانه این رفتار در حرکت‌های غیرواقع‌بینانه‌ای که در منطقه ما داشته مشاهده شده است. این رفتار ممکن است تا حدی مسیر انگلیس را از بقیه کشورهای اروپایی جدا کند و این موضوع را در تحولات چندی پیش به ویژه سفر خانم ترزا می به واشنگتن تا حد قابل توجهی مشاهده کردیم. البته بقیه اروپا گرایش به سمت راست دارند و معلوم نیست انتخابات آینده‌ای که در کشورهای مختلف اروپایی انجام می‌شود، مخصوصاً در فرانسه، چه حاصل و نتیجه‌ای داشته باشد. هنوز پیش‌بینی قطعی خیلی زود است، اما گمان می‌رود به سمت راستگرایی بروند. البته من اروپاشناس نیستم، لیکن پیش‌بینی‌ها به آن سمت حرکت می‌کند.

من احساس می‌کنم اروپا در حوزه‌هایی برابر آقای ترامپ مقاومت می‌کند و در حوزه‌هایی با او همراهی خواهد کرد و ترامپ هم همانطور که در سفر خانم ترزا می دیده شد در مورد موضوعی مثل ناتو، به اروپا نزدیک شد، یعنی الزاماً این نزدیک شدن همواره از طرف اروپا به سوی آمریکا نخواهد بود؛ بلکه در بعضی از موارد مشاهده خواهیم کرد که آمریکا، ناگزیر می‌شود به اروپا نزدیک شود. همین تحولات در زمان بوش پسر هم اتفاق افتاد، یعنی در مواردی اروپا به آمریکا نزدیک شد که متأسفانه یکی از آن موارد، موضوع ایران بود. در مواردی هم آمریکا به اروپا نزدیک شد البته در موضوع ایران، اول آمریکا به اروپا نزدیک شد بعد اروپا به آمریکا. چنانکه گفتیم در روابط بین‌الملل پیچیدگی‌هایی وجود دارد و روابط بین‌الملل را باید با همه پیچیدگی‌ها ببینید. اگر

کسی بخواهد روابط بین‌الملل را ساده کند در حالت شکلی، همه مقابل آقای ترامپ مقاومت می‌کنند یا به سمت ترامپ می‌روند او را می‌پذیرند. این جملات بسیط، نمی‌تواند شرایط بین‌المللی را تعیین کند. نکته دیگری که هست اینکه در این شرایط، دنیا هم در حال گذار است. مدت بیش از ۲۶ سال شرایط گذار را در دنیا داریم. هم سیاست در اروپا در حال گذار است، هم در آمریکا. معمولاً شرایط گذار بسیار سیال هم هست. در شرایط سیال، همه دارند تلاش می‌کنند بیشترین تأثیر را بگذارند. اکنون رژیم صهیونیستی و مشخصاً لابی‌های راستگرا در آمریکا، بیشترین تلاش را دارند. بعضی از کشورهای عربی، بیشترین تلاش را دارند چون در شرایط سیال، هیچ چیز سر جای خود نیست، لذا همه چیز قابل تبدیل و تغییر است و اینجاست که تلاش‌ها همه می‌تواند تأثیرگذار باشد. تحولات هم می‌تواند تأثیرگذار باشد یعنی وقتی که آقای بوش پسر، رئیس‌جمهوری آمریکا شد همه فکر می‌کردند که یک سیاست‌گرایش به مسائل اقتصادی پیش می‌آید. حادثه‌ای مثل ۱۱ سپتامبر باعث شد که گرایش و رویکرد جدیدی در سیاست آمریکا پیدا شود، لذا اینکه بعضی‌ها معتقدند این حادثه، ساختگی بود یا نبود، اما واقعاً این اعتقاد را دارم تحولی بود و الزاماً هم ساختگی نبود، ولی گروهی از کنشگران در داخل آمریکا و کنشگرانی از بیرون آمریکا آمدند سوار این حادثه شدند و واقعیاتی را رقم زدند که بیشترین هزینه‌اش را خود آمریکا پرداخته است. اگر آقای ترامپ تلاش کند همان تندروی‌ها را داشته باشد، حتماً بیشترین هزینه‌اش را خود آمریکایی‌ها می‌پردازند، اما واقعیاتی هست که در شرایط ویژه اتفاق می‌افتد و بعد با توجه به سیال بودن موضوع، همه این کنشگران وارد می‌شوند و تلاش می‌کنند تأثیر بگذارند. اینجا دیگر میزان کنشگری و تلاش تأثیرگذاری مهم است. اگر آقای ترامپ، صدور ویزا را برای ایرانی‌ها لغو کرده و از «تی.پی.پی.» و مشارکت در اقیانوس آرام خارج شده بخواهد از «فتا» هم خارج شود یا مورد بازنگری جدی قرار دهد، خودش متاثر می‌شود. آسیای دور و اروپا هم متاثر می‌شوند. اروپا اکنون چند تا موضوع عمده دارد که برجام، یکی از آنهاست.

برای فرانسوی‌ها، کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و توافقی که در پاریس شد، مهم است. مهم‌ترین دستاورد خانم «می» نخست وزیر انگلیس این بود که از آقای ترامپ این یک جمله را گرفت که ناتو نقش بسیار مهمی دارد.

موضوع ناتو برای بسیاری از کشورهای اروپای شرقی سابق، حیاتی است. برای رژیم صهیونیستی هم، جا انداختن دستور کار ضد ایرانی مهم است. با گرایش‌هایی که آقای ترامپ دارد همه این کنشگران تلاش خواهند کرد در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده بیشترین تأثیر را بگذارند. آنچه در این میان به عنوان موضوعی بسیار تعیین کننده به نظر می‌آید، رابطه شخصی‌ای است که ترامپ

می‌خواهد با پوتین ایجاد کند و تعامل شکل بگیرد. به نظر من بخشی از این رابطه به ارتباط میان ساختار و کارگزار و بخش دیگر به خوش‌بینی متقابل ترامپ و پوتین نسبت به هم برمی‌گردد که می‌تواند بر این روابط تأثیر بگذارد؛ اما ساختارها و واقعیات رقابت آمریکا و روسیه در بعضی موارد می‌تواند مانع باشد.

کار دیگری که ترامپ می‌خواهد برای اقتصاد داخلی آمریکا انجام دهد تقویت کار و محیط کار است. از زمانی که رئیس‌جمهور شده تلاش‌هایی در این چارچوب کرده است و افتخار هم می‌کند به این تلاش‌ها که شرکت‌های آمریکایی بیرون آمریکا کار ایجاد نکنند، بلکه این کار در داخل کشور ایجاد شود. در این راه پیشنهاد‌های متعددی داده است. موضوع ساخت دیوار در مرز با مکزیک، در چارچوب اولویت اقتصادی است. مجموعه این مسائل باعث می‌شود صورتان این باشد که آقای ترامپ کمتر به دنبال ماجراجویی نظامی خواهد بود. آن نکته‌ای که در جواب سؤال قبل گفتم این بود که باید همیشه مدنظر داشته باشیم، همین تصور در مورد آقای بوش و مخصوصاً آقای چنی هم بود. یعنی وقتی که آقای چنی به عنوان فرد نفتی سابقه‌دار که حتی در ایران در قالب شرکت هالیبرتون و نمایندگی‌های خارجی‌اش حضور داشت، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا شد، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد فردی با گرایش اقتصاد محور نفتی دست به اقدامات آنچنانی بزند اما تحولی مثل ۱۱ سپتامبر باعث شد آقای بوش تبدیل به رئیس‌جمهوری جنگ شود. بوش به خودش می‌گفت word president. یک حادثه ممکن است فضا را عوض کند. اما در آن شکل هم آقای ترامپ و هم اطرافیانش مستعد چنین تحولی هستند. آقای ترامپ دستوری داده که بخشی از آن با روحیاتش سازگاری دارد، اما اینکه بدون هیچ مقدمه‌ای وارد یک برخورد نظامی بشود، به نظر می‌رسد که با بقیه سیاست‌هایش، سازگاری ندارد، مگر اینکه شرایط، این‌گونه به او تحمیل شود یا اینکه برخی در داخل حاکمیت آمریکا یا برخی از کنشگران بیرون آمریکا مثل رژیم صهیونیستی یا سایر کشورهایی که در این منطقه به دنبال درگیری و تشنج هستند، چنین وضعی را تحمیل کند. (ظریف، اطلاعات، ۱۳۹۵/۱۱/۱۹)

### اهمیت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

همه تحلیلگران برجسته سیاسی مثل توماس فریدمن (برنده جایزه پولیتزر، نیویورک تایمز)، باب وود واردز و فرید زکریا (هر دو در واشنگتن پست) و یا حتی دانشگاهیانی پر اعتبار نظیر پل کروگمن (نوبل اقتصاد، پرینستون) و مایکل ساندل (هاروارد)، تیموتی سیندرز (تاریخ‌دان متخصص فاشیسم و نویسنده کتاب معروف درباره استبداد: بیست درس درباره اقتدارگرایی از قرن بیستم و بسیاری دیگر، معتقدند که آنچه در رخداد‌های سال‌های اخیر اهمیت داشته، بیشتر از شخصیت نیمه مجنون

و نیمه‌فاسد «دونالد ترامپ»، «ترامپیسیم» به مثابه نوعی ترکیب خطرناک از یک پوپولیسم راست و چپ است. چنین پدیده‌ای در شرایط مدرنیته متاخر در قرن بیست و یکم بود که می‌توانست ظاهر شود و همچون یک ویروس رشد کرده و دموکراسی‌ها را یک به یک از پا در بیاورد یا تضعیف کند. این ویروس، اگر موفق شود، زمینه را برای سیستم‌های مبتنی بر دولت‌های مافیایی نو-لیبرالی مثل روسیه، یا مافیایی-نولیبرالی - حزبی (مثل چین) یا صرفاً نولیبرالی-نژادگرا (مثل هند و برزیل) مناسب‌تر خواهد کرد و در آینده اروپای غربی به مثابه یکی از آخرین پهنه‌های باقی‌مانده از سوسیال‌دموکراسی و خود آمریکا به مثابه یک دموکراسی لیبرالی در جهت بسیار منفی تاثیر خواهد گذاشت. افزون بر این، این نکته که امروز آمریکا بخش اساسی بازار اقتصادی و بانکی و گردش سرمایه‌ها را در دست دارد و یک قدرت نظامی است که با نیروهایش تقریباً جهان را اشغال نظامی کرده و مقروض‌ترین کشور جهان است یعنی اگر سقوط کند اقتصادهای زیادی از جمله اقتصاد چین را نیز دچار سقوط می‌کند و... همه اینها واقعیاتی انکار ناپذیرند که نشان می‌دهند چرا در حال حاضر این انتخابات اهمیت دارد. ( فکوهی، فرارو، ۱۳۹۹/۸/۱۲)

### دلایل شکست

"کریستین وینتون" مشاور ارشد وزارت خارجه آمریکا در دولت‌های جرج بوش پسر و ترامپ، در مقاله‌ای «دونالد ترامپ را به احتمال زیاد بایستی بازنده بزرگ انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا دانست. تنها چیزی که وی می‌تواند به آن ببالد، رقابت تنگاتنگ و نزدیکش با "جو بایدن" نامزد دموکرات‌ها است که با اختلاف کمی توانست گوی سبقت را از او برآید و آرا الکترال بیشتری را به خود اختصاص دهد».

در شرایطی که ترامپ و تیم انتخاباتی وی، از وقوع تقلب گسترده انتخاباتی در برخی ایالت‌های آمریکا حرف می‌زنند، با این حال، اینگونه به نظر می‌رسد که انتخابات پستی و تاثیر آن بر نتیجه نهایی انتخابات، آن‌ها را شدیداً آزرده خاطر کرده و به نظر هم نمی‌رسد که اقدام ترامپ و تیم وی در ارجاع مساله به دستگاه قضایی آمریکا، چندان موثر واقع شود. با این همه، نباید فراموش کرد که دموکرات‌ها نتوانستند به طور کامل نتیجه انتخابات را در نهادی نظیر سنای آمریکا به نفع خود پایان ببرند. امری که دست جمهوریخواهان را برای کنش ورزی‌های قوی و محکم در آینده در عرصه سیاسی آمریکا، باز می‌گذارد. این مساله تا حدی برای جو بایدن و دولت وی نیز در آینده چالش را خواهد بود و وی در زمینه برنامه‌های خود در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا، با تنش‌ها و چالش‌های زیادی رو به رو خواهد شد. ترامپ در دوره ریاست جمهوری خود به دلیل موضعگیری‌هایش، با دشمنی‌های زیادی از سوی دموکرات‌ها، جمهوریخواهان کنگره آمریکا،

مقام‌های ایالتی آمریکا، رسانه‌های آمریکایی، وال استریت و حتی "سیلیکون‌ولی" مواجه شد. وی حتی با چالش‌هایی نظیر استیضاح و برخوردهای قضایی مکرر با خودش نیز رو به رو شد.

## تاثیرات کرونا

ریشه‌های اصلی ناکامی ترامپ را باید در بحران شیوع گسترده ویروس کرونا در آمریکا، ناکامی اقتصاد کرونازده این کشور، و بی‌کفایتی تیم و کابینه وی جستجو کرد. تاریخ آمریکا رکوردهای قابل توجه ترامپ در مسائل اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، پایان دادن به رکود در این کشور، و افزایش سطح دستمزدها مخصوصاً برای طبقات متوسط و فقیر این کشور را فراموش نخواهد کرد. با این حال، همه چیز با شیوع گسترده ویروس کرونا در آمریکا و آسیب‌های جدی آن به کارنامه اقتصادی ترامپ تغییر کرد. در واقع، یکی از موفق‌ترین روسای جمهور آمریکا از منظر عملکرد اقتصادی، به یکی از ضعیف‌ترین و آسیب‌دیده‌ترین‌ها در تاریخ این کشور تبدیل شد. امری که موقعیت انتخاباتی او (ترامپ) را به شدت تضعیف کرد.

عملکرد کارکنان و اعضای تیم ترامپ نیز در نوع خود یک فاجعه تمام عیار بوده است. تنها می‌توان گفت که شیوع گسترده ویروس کرونا در آمریکا توانسته خسارتی به مراتب بیشتر از این مساله را به ترامپ و موقعیت وی وارد آورد. اعضای تیم ترامپ در سطوح مختلف دولتی، یا کاملاً به او وفادار نبودند و یا نسبت به پیشبرد دستور کار مدنظر او بی‌علاقه بودند. مساله‌ای که در نوع خود موجب شد رقبای ترامپ با کمک گرفتن از آن، میزان اعتماد اجتماعی به ترامپ و دولت وی را تا جای ممکن تقلیل دهند.

مهم‌ترین موضوع در انتخابات اخیر به نظر اغلب کارشناسان بی‌کفایتی ترامپ در کنترل به موقع ویروس کرونا بود که تاکنون به ابتلای بیش از ۹ میلیون آمریکایی (با روند ابتلای جدید بالای ۶۰ هزار نفر در روز) و مرگ ۲۳۰ هزار نفر منجر شده است. میزان این بی‌کفایتی به حدی بوده است که سخنگوی کاخ سفید که رسماً در همین روزهای اخیر اعلام کرد که دیگر نباید به دنبال «مهاری» بیماری بود، بلکه باید بر ساختن واکسن و داروهای درمانی متمرکز شد و برای این سخن به شدت مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا این حرف با تسلیم شدن در جنگی واقعی تشبیه تشبیه شد. (فکوهی، ۱۳۹۹/۸/۱۱)

بواقع شیوع ویروس کرونا به ناگهان توانست به بزرگترین پاشنه آشیل رقابت ترامپ در سال ۲۰۲۰ مبدل گردد. هیچ کس گمان نمی‌برد که این موضوع آینده سیاسی ترامپ را به چالش بکشد. ترامپ در مواجهه با کرونا همان سیاست نه به باخت و رفتارهای رادیکالی را پیش گرفت و سعی کرد مسئله را کوچک جلوه دهد، ولی غافل از اینکه، مردم آمریکا در مسائل مرگ و زندگی

با هیچ کس در این باره شوخی ندارند. رفتارهای بچه گانه ترامپ در زمینه برخورد با بیماری کووید ۱۹ برای وی در عدم انتخاب دوباره او بسیار گران تمام شد ولی رقیب دمکرات خواه او بایدن بالعکس بسیار زیرکانه و حساب شده از این موضوع کمال استفاده را برد و سعی کرد با رفتارهای نسبتاً خردمندانه و عاقلانه چهره‌ای به مراتب به روزتر و دلسوزانه تر از خود در جامعه آمریکا نشان دهد. ترامپ از سال گذشته قبل از اعلام رسمی کاندیداتوری رسمی جو بایدن به این مسئله واقع بود که مهمترین رقیب خود در انتخابات بایدن است.

### توهم رای

از سویی نباید فراموش کرد که دونالد ترامپ و تیم وی انتظارات نادرستی در مورد میزان جذب آرا مردمی مخصوصاً در مناطق حومه‌ای شهرها داشتند. این انتظارات وقتی با توثیق زنی‌های مکرر و شانتاژهای رسانه‌های حامی ترامپ همراه می‌شدند، رای بالای وی در این مناطق را به واقعیتی مسلم و انکار ناپذیر تبدیل کردند که در پایان، نادرستی این گزاره و فرض، خود را در نتیجه نهایی انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا نشان داد.

ترامپ بر اساس سیاست و دکترین خاص خود در طول سالیان گذشته به اصل بزرگی تحت عنوان اصل "نه به باخت" معتقد است. وی با این ذهنیت همواره در طول زندگی خویش و علیرغم چندین بار ورشکستگی مالی تلاش نموده با استفاده از روش‌های ساختارشکنانه و شومابانه مشکلات و چالش‌های پیشه روی خود را حل و فصل نماید. با استفاده از همین تاکتیک بود که آقای ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ توانست آرای بسیاری از مردم آمریکا را کسب کند. بی تردید بزرگترین اشتباه ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ تداوم همین تفکر بود که تصور می‌نمود که با اتخاذ تاکتیکی همانند انتخابات قبل می‌تواند از رقیب خود در انتخابات پیشی بگیرد، لذا تلاش نمود تا با همان رفتارها و واکنش‌های دور قبلی وارد عرصه انتخابات شود. نکته بزرگی که ترامپ از آن غافل بود اینکه او در انتخابات قبلی مدعی بود که بعنوان فردی بظاهر مستقل و خارج از ساختار نظام آمریکا وارد این عرصه شده و قصد مبارزه با حکومت و ارکان مافیای قدرت را دارد اما بعد از گذشت چهار سال از ریاست جمهوری وی پوچ بودن این ادعا برای بسیاری از شهروندان آمریکایی به اثبات رسید.

اما ترامپ بجای تجدیدنظر در استراتژی سیاسی خویش مجدداً همان رفتارهای گذشته از جمله سیاست حمله به کاندیدای رقیب با استفاده از الفاظ و رفتارهای خارج از عرف و ادب را در پیش گرفت. در کنار همه اینها علی‌رغم اینکه آقای ترامپ توانسته بود در ۳ سال گذشته وضعیت اقتصادی آمریکا را بهبود خوبی ببخشد و در این زمینه به موفقیت‌های قابل توجهی نیز دست

یافته بود؛ مانند کاهش نرخ بیکاری به کمتر از نرخ ۳ درصد اما یک اصل در سیاست همیشه قابل توجه است و آن اینکه تحولات دنیا همیشه غیرقابل انتظار و پیش بینی است.

### جامعه قطبی

چه بسا تاخیر در اعلام نتایج فقط برای مدیریت افکار عمومی و جامعه هیجان زده و قطبی شده آمریکا و کنترل واکنش‌های ترامپ بود. در چهار یادداشت پیش از انتخابات آمریکا که از یک ماه پیش منتشر گردید، تلاش شد، با تحلیل داده‌های موسسات پژوهشی و نظر سنجی و رسانه‌های آمریکا و دموگرافی رای دهندگان توضیح داده شود که روند انتخابات آمریکا به کدام سو می‌رود و چرا شانس رای آوری بایدن به مراتب بیش از ترامپ است و چرا ترامپ رفتنی است. اینک که غبار انتخابات آمریکا فرونشسته و وضعیت جدید چهره خود را نمایان ساخته، موارد ذیل حائز اهمیت به نظر می‌رسد:

مجموعاً موسسات نظرسنجی آمریکا در این انتخابات ۳ تا ۵ درصد خطا داشتند. این موسسات در سطح «ماکرو» نمره متوسط اما قابل قبولی دریافت می‌کنند، آنها در تشخیص میزان مشارکت و بزرگی انتخابات، تشخیص فرد پیش‌تاز در سطح ملی و ایالتی، اولویت‌های رای دهندگان به ویژه میزان اهمیت اقتصاد و کرونا و همچنین دموگرافی رای دهندگان و حامیان هر گروه، به درستی عمل کردند، اما در سطح میکرو، فاصله‌های میلی متری را به نفع بایدن و به زیان ترامپ بزرگتر دیدند. مثلاً در سطح ایالتی دامنه خطایی حدود سه تا ۵ درصد را به نفع بایدن از خود بروز دادند. بایدن در ایالت‌هایی برنده انتخابات شد که در متوسط نظرسنجی‌ها بیش از ۵ درصد پیش‌تاز بود. و در هر ایالتی بایدن زیر ۳ درصد پیش‌تاز معرفی شده بود، در حقیقت بایدن عقب ماند و بازنده شد و هر جا فاصله بین ۳ تا ۵ درصد بود رقابت تنگاتنگ شد.

با توجه به دو قطبی شدید سیاسی در آمریکا، بروز درگیری و کشمکش سیاسی بعد از انتخابات چقدر محتمل است، خصوصاً اگر یکی از کاندیداها، نتیجه انتخابات را نپذیرد؟ - به نظر من همیشه این امکان وجود دارد- آنچه همیشه مانع از درگیری شده است، آن بوده که یکی از دو طرف ولو میزان رای بسیار نزدیک بوده، خیلی زود شکست خود را پذیرفته و کنار رفته است. ترامپ تهدید کرده که این کار را نمی‌کند و کار را به دیوان عالی می‌کشانند که این با توجه به آنکه پرونده‌های قضایی علیه او بسیار زیاد و خطرناک هستند و به دلیل ایالتی بودن بسیاری از این پرونده‌ها که حتی رئیس جمهور بعدی هم نمی‌تواند او را عفو کند، برای او این انتخابات جنبه مرگ و زندگی دارد (چیزی شبیه به وضعیت نتانیاهو در اسرائیل، اما به مراتب بدتر، چون پرونده‌های ناتانیاهو سبک‌تر هستند).

## فساد ترامپ

در موارد فساد ترامپ، از جمله پرداخت پول سیاه به یک هنرپیشه فیلم‌های پورن از طرف ترامپ پیش از انتخابات نیز همین طور. از این رو می‌توان گفت که اگر ترامپ به نسبت چهار سال گذشته در موقعیت بسیار ضعیف‌تری قرار دارد (در کنار بی‌کفایتی او در مدیریت کرونا و ویروس و اقتصاد فروپاشیده و تنش‌های نژادپرستانه) مطبوعات و رسانه‌های قدرتمند و آزاد آمریکا بودند که حتی یک روز اجازه ندادند وی بتواند بدون سایه‌ای در تعقیبش به خرابکاری‌های خود ادامه دهد. رسانه‌های اصلی نظیر روزنامه‌ها و کانال‌های تلویزیونی بزرگ، البته نقش اصلی را داشتند، اما نباید از حق گذشت که حتی رسانه‌های تندرو و رادیکال و حتی برای مثال دیدیم که کانال‌هایی، چون The Ring of Fire و TYT با CNN و MSNBC هم داستان شدند و حتی شوه‌های آخر شب تلویزیونی (نظیر استفن کلبرت و جیمی کیمل) و برنامه‌های روزانه زنانه نظیر شوی ویوو (وویی گلدمن) نیز مبارزه علیه ترامپ و برای حفظ دموکراسی در آمریکا و جلوگیری از سقوط درون نوعی رژیم شبه فاشیستی را به صورت سیستماتیک علیه ترامپ و فاشیسم خجول او که رفته‌رفته آشکارتر می‌شد، متمرکز کردند؛ و ترامپ کاری نمی‌توانست بکند جز پناه بردن به شبکه فاکس و دروغگو و دشمن مردم نامیدن رسانه‌ها.

ترامپ تمام مرزهای تاریخی اخلاقی، قانونی، دینی، آبروداری و سیاسی و حتی روابط بین-المللی را در طول چهار سال ریاست جمهوری خود شکسته و این هم ضعف سیستم را نشان می‌دهد که سه شاخه قضاییه، مقننه و مجریه که در قانون اساسی آمریکا باید با یکدیگر برابر و حق نظارت بر یکدیگر را داشته باشند، عملاً ناچار شدند تمام قانون شکنی‌ها و بی‌اخلاقی‌های ترامپ را تحمل کنند. اما این سابقه به صورتی متناقض (باید امیدوار بود) سیستم را نیز تصحیح می‌کند. این همان اتفاقی بود که پس از تجربه نیکسون و پیش از آن با تجربه مک‌کارتی در سطحی پایین‌تر و بر سر الحاقیه اول (آزادی بیان) نیز به وجود آمد. این یک واقعیت است که آمریکا تاکنون هیچ رئیس جمهوری بدین حد رسوا از هر لحاظی که بشود تصورش را کرد نداشته است و به همین جهت است که چنین سیل بزرگی از حمایت از بایدن در میان تقریباً تمام مقامات دیپلماتیک، سیاسی، امنیتی و حتی نظامی پیشین آمریکا و حتی رسانه‌های دینی و سندیکایی غیرسیاسی یا طرفدار جمهوری‌خواهان در آمریکا به راه افتاده است. (فکوهی، ۱۳۹۹/۸/۱۲)

## رسانه‌ها و تبلیغات

بنا بر اعلام رسانه‌های آمریکا، کمپین ترامپ در این انتخابات حدود ۵۷۵ میلیون دلار و کمپین بایدن حدود ۷۷۶ میلیون دلار به شکل مستقیم هزینه داشتند که بخش عمده آن صرف هزینه‌های

تبلیغاتی در رسانه‌های کلاسیک از جمله برنامه‌های تلویزیونی و بخشی دیگر صرف رسانه‌های اجتماعی شد. در این انتخابات شاهد قیام رسانه‌های کلاسیک آمریکایی و حتی بین‌المللی علیه ترامپ بودیم. ترامپ رفتار مناسب رسانه‌ای در ۴ سال ریاست جمهوری خود اتخاذ نکرده بود و بارها و بارها رسانه‌ها را تحقیر و مورد حمله قرار داده بود، انباشت آن همه تحقیر رسانه‌ای در این انتخابات به قیام علیه خودش تبدیل شد. در کنار قیام رسانه‌های کلاسیک، شاهد تقسیم فضای رسانه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک و تویتر بودیم. ترامپ با ۸۰ میلیون فالوئر تقریباً بی‌رقیب می‌نمود اما ورود ۱۲۴ میلیونی اوباما، شرایط را به موازنه کشاند.

بنظر می‌رسد جدای از موارد فوق، عاملی که به شکل موثری این انتخابات را تحت تاثیر قرار داده و ترامپ را با شکست مواجه کرده است، خط و مشی وی در قبال رسانه‌ها و جنگ و مقابله ترامپ با این بخش از منبع قدرت در آمریکا بوده است. ترامپ از همان روزهای اول که وارد کاخ سفید شد به مقابله با برخی از غول‌های رسانه‌ای رفت و با بی‌توجهی و تحقیر آنها، اصطلاح رسانه‌های دروغین (fake news) را در مورد آنها بکار برد. روانشناسی شخصیتی ترامپ به او اجازه نداد تا رسانه‌های قدرتمند را با خود همراه سازد و حتی مشاورین وی نیز در این زمینه نتوانستند، وی را متقاعد سازند. امانوئل کاستلز در کتاب **عصر اطلاعات** خود به شکل دقیقی به قدرت رسانه‌ها در عصر جامعه شبکه‌ای می‌پردازد و اهمیت رسانه‌ها و قدرت آنها را در شکل‌گیری تحولات سیاسی و اجتماعی را تا حدی می‌داند که برای تبیین این تاثیرگذاری از اصطلاح سیاست بر بال رسانه استفاده می‌کند، موضوعی که از نظر ترامپ و تیم وی مغفول ماند و این اشتباه فاحش این فرصت را برای این بخش از رسانه‌های مخالف و ناراضی فراهم کرد که بتوانند در یک اقدام تاریخی و حساب شده انتقام سخت خود را از ترامپ گرفته و جایگاه و نقش تاثیر گذار خود را بیش از پیش در عرصه قدرت سیاسی آمریکا تثبیت و تحکیم کنند.

### نژادگرایی

جامعه آمریکا طی چهار سال ریاست جمهوری ترامپ در سایه تعالیم و رویکردهای نژاد پرستانه و ضد علمی و پوپولیستی او دچار شکاف‌ها و تعارضات فراوانی شد که در انتخابات این شکاف‌ها به اوج رسید و فضا به شدت قطبی شد. چنان که پیش‌بینی شده بود، و دموگرافی رای دهندگان به ترامپ نشان می‌دهد، اصلی‌ترین هواداران او از کلیسای ارتودوکس، ارتش سالاران، سرمایه داران، سفیدها، طبقه روستایی و افراد کم‌تر تحصیل کرده، افراد با متوسط سنی بالای ۵۰ سال و جریان‌ات راست افراطی در یک سو قرار گرفتند. در آن سوی نیز رای دهندگان به بایدن بیشتر از جریان لیبرال‌ها، دموکرات‌ها و سوسیالیست‌ها و از طبقه متوسط شهرنشین، تحصیل‌کردگان،

زنان، جوانان و کارگران حاشیه شهر و سیاهان و مهاجران آمریکایی آسیایی و یا آمریکایی آفریقایی بوده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی این جریان مبارزه با روند جهانی شدن، مخالفت با مهاجرت و سیاست‌های زیست محیطی خواهد بود. اگر چه بخش مهمی از پایگاه رای ترامپ منطبق بر پایگاه سنتی حزب بود، اما ترامپ می‌تواند در صورت روی برگردان حزب از او باز هم برای مدتی یک نیروی تاثیرگذار در طیف راست در امریکا باشد. این امر البته تا حدودی بستگی به علاقه ترامپ برای ادامه فعالیت‌های سیاسی و نیز تعیین تکلیف دعاوی متعدد حقوقی علیه او دارد. به همین ترتیب، با توجه به عملکرد بسیار خوب جناح چپ حزب دموکرات به رهبری برنی سندرز در دوره مقدماتی، بایدن نیز نخواهد توانست به زودی از شبیح برنی سندرز که مبلغ دولت رفاه و نوعی سوسیالیسم بود، خلاصی یابد.

اداره آمار آمریکا پیش بینی کرده است تا اواسط امسال، غیرسفیدپوستان اکثریت جمعیت ۷۴ میلیون نفری از کودکان را تشکیل خواهند داد. در عین حال، تخمین زده می‌شود که در سالی از دهه ۲۰۴۰ سفیدپوستان ۴۹ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل خواهند داد، لاتین تبارها، سیاه پوستان و چند نژادی‌ها ۵۱ درصد باقی مانده را تشکیل می‌دهند. در میان بسیاری از سفیدپوستان، در قبال این مساله که کشور ما در حال تبدیل شدن به "اقلیت" سفیدپوستان است، نارضایتی و حتی مقاومت وجود دارد. آنها ترامپ را مانعی برای عواقب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن می‌بینند... "کاوتم مکوندا" استاد علوم تجاری دانشگاه هاروارد می‌گوید "بسیاری از سناتورهای جمهوری خواه در کنار ترامپ نخواهند بود. ترامپیسم آینده حزب جمهوری خواه است. مساله منحصر به فرد درباره ترامپیسم این است که حتی هرگز تلاش نمی‌کند حمایت اکثریت آمریکایی‌ها را به دست آورد. لذا حزب جمهوری خواه همچنان استراتژی استفاده از هر شیوه حقوقی اما غیردمکراتیک را ادامه خواهد دارد تا قدرت را در اختیار داشته باشد؛ حتی اگر اکثر آمریکایی‌ها به آنها رای نداده باشند. دقیقاً همان طور که دو قاضی دیوان عالی را به آن تحمیل کردند... "باز هم می‌گوییم، در شرایطی که بایدن در میان رای دهندگان طبقه کارگر نفوذ کرد، اما به نظر می‌رسد تغییر چشمگیری رخ نمی‌دهد. شاید به این دلیل که بسیاری از رای دهندگان به ترامپ در میان طبقه کارگر، نه تنها حس می‌کنند که به آنها نگاه تحقیر آمیز می‌شود، بلکه از آنچه که سانسور فرهنگی از جانب نخبگان لیبرال می‌خوانند، تنفر دارند... "ریچ لوری" سردبیر نشریه "نشنال ریویو" چندی پیش در مقاله‌ای نوشت، "ترامپ در حالت بهتر یا بدتر، بزرگترین نماد مقاومت در برابر جریانی است که در رسانه‌ها، دانشگاهیان، گول‌های اقتصادی آمریکا، هالیوود، رشته‌های ورزشی

حرفه‌ای، نهادهای بزرگ و تقریباً تمام آن چیزی است که بین اینها قرار دارند. شفاف بگویم، از نظر بسیاری از آمریکایی‌ها، ترامپ فقط انگشت میانه‌ای است علیه مردمی که تصور کرده‌اند فرهنگ آمریکا را در کنترل دارند..."

این انتخابات نشان می‌دهد چنین نگرشی در میان طرفداران ترامپ همچنان بسیار زنده است... امیدوارم هرکس که برنده این انتخابات می‌شود به این نتیجه رسیده باشد که ما دیگر نمی‌توانیم در میان همدیگر به این شیوه اختلاف افکنی کنیم... من اطمینان دارم که "فرشتگان بهتر طبیعت ما" همچنان وجود دارند اما سیاست و سیستم سیاسی ما در حال حاضر برای آنها آنقدر الهام بخش نیست تا در سرعت و شدتی که نیاز داریم، ظاهر شوند. (فریدمن، ۱۳۹۹/۸/۱۷)

### بی‌برنامگی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰

یکی از ویژگی‌های بارز ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی وی با جو بایدن، بی‌برنامگی وی بوده است. ترامپ در مصاحبه‌های مختلف و همچنین مناظراتش با جو بایدن، صرفاً به طرح مطالب کلی و مبهم اقدام کرده و هیچ چشم انداز مشخصی را در مورد آینده آمریکا ارائه نمی‌کند. به طور خاص وی در جریان مناظره دوم ریاست جمهوری آمریکا با جو بایدن، در پاسخ به این پرسش که چه طرحی برای دستمزدها در آمریکا دارد گفت که این مساله را به مسئولان ایالتی در آمریکا واگذار خواهد کرد. این در حالی است که جو بایدن به طور خاص از تعهد خود به افزایش میزان درآمد هر آمریکایی از هفت دلار در هر ساعت، به ۱۵ دلار سخن گفت و در این زمینه کاملاً با جزئیات سخن گفت.

ترامپ حتی در بحبوحه شیوع ویروس کرونا، هیچ پاسخ روشنی نداد که در امر بهداشت و سلامت جامعه آمریکا، چه طرحی را در سر دارد و برای بهبود این بخش چه کارهایی می‌خواهد انجام دهد. این در حالی است که جو بایدن با جزئیات، از طرح خود موسوم به "بایدن کر" پرده برداشت. ترامپ حتی در مقام ریاست جمهوری آمریکا هیچ چشم انداز مشخصی در مورد زمان ارائه واکسن ویروس کرونا در آمریکا و همچنین شیوه مدیریت اقتصادی و روند ریکواری اقتصادی این کشور ارائه نکرده و صرفاً گاه و بیگاه با استناد به آمارهای ادعایی، خود را رئیس جمهوری بی نظیر در تاریخ آمریکا دانسته و سعی کرده آرا مردمی را به خود جلب کند. درست همین بی‌برنامگی ترامپ است که موجب می‌شود تا وی برای لاپوشانی این نقص خود، رو به تنش آفرینی و جنجال افکنی بیاورد و با طرح ادعاهای گستاخانه و بی ادبی، صرفاً افکار عمومی و پایگاه طرفداران خود را تهییج کند و سعی کند از این طریق، آرا عمومی را به خود جلب کند. در واقع، ترامپ همچون دیگر رهبران پوپولیست جهان، سیاست را به سطحی‌ترین حالت خود تقلیل می‌دهد و با احساسی

و هیجانی کردن امر حکمروایی، بر آن است تا ضعف بی برنامگی و ناکارآمدی خود را پوشش دهد.

### گستاخی تاکتیک انتخاباتی دونالد ترامپ

یکی دیگر از محرک‌های رفتارهای غیراخلاقی و بی ادبانه دونالد ترامپ، مرتبط با شخصیت خاص وی است. تاکنون بسیاری از افرادی که با ترامپ در دوره قبل از ریاست جمهوری وی کار کرده اند، تاکید داشته‌اند که وی در مقام یک تاجر، شخصی بی ادب و گستاخ بوده و اساساً به اصول اخلاقی پایبند نبوده است (البته افشاگری‌های گاه و بیگاه علیه ترامپ نیز این مساله را کاملاً تایید می‌کنند). در این چهارچوب به طور خاص می‌توان به اظهارات کارمندان ترامپ که در هتل‌های زنجیره‌ای وی کار می‌کردند اشاره کرد که گستاخی و رفتار تند او را همواره مورد تاکید قرار داده‌اند. اکنون نیز ترامپ در مقام رئیس جمهوری آمریکا، بی ادبی و گستاخی را نه تنها به عنوان یک ویژگی شخصیتی‌اش، بلکه به مثابه وجه ممیزه دوران ریاست جمهوری اش درآورده است. اقدام وی در قطع کردن مکرر سخنان جو بایدن در مناظره اول انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، طفره رفتن‌های علنی وی مبنی بر عدم تعهدش به انتقال مسالمت آمیز قدرت در آمریکا، و توهین‌های گاه و بیگاهش بر علیه مخالفان سیاسی‌اش و طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف آمریکا، همه و همه گواهی بر ماهیت گستاخ شخصیت ترامپ هستند که به طور خاص، عرصه سیاسی آمریکا را با تنش‌های جدی مواجه ساخته است. امری که نقش قابل توجهی در آسیب رسیدن به وجهه و شخصیت آمریکا در عرصه بین‌المللی بازی کرده است.

اظهارات تند و بی ادبانه ترامپ در مورد جو بایدن و یا دیگر افراد و گروه‌های سیاسی مخالفش، نمودی عینی از تلاش‌های وی جهت تشدید شکاف‌ها و تفرقه در جامعه آمریکا و استفاده از این فضا برای تثبیت قدرت خودش است. در واقع، ترامپ با دستور کار "تفرقه بینداز و حکومت کن" بر آن است تا همچنان یکه تاز میدان سیاست و قدرت در جامعه آمریکا باقی بماند و در این مسیر، انواع و اقسام تاکتیک‌های غیراخلاقی و گاه گستاخانه و بی ادبانه را در پیش می‌گیرد.

### حمایت قاطع اوباما از بایدن

باراک اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا در سخنرانی در حمایت از «جو بایدن» نامزد دموکرات‌ها گفت که ترامپ از پوشش رسانه‌ها درباره همه‌گیری کرونا حسادت می‌کند. وی که در ایالت میشیگان صحبت می‌کرد، افزود: «وسواس ترامپ حجم جمعیتی است که در سخنرانی‌ها و مراسم وی حاضر می‌شوند». رئیس جمهور سابق آمریکا با اشاره به روز سه‌شنبه آتی که روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این کشور است، گفت: «این سه‌شنبه، همه چیز در خط قرار دارد. روز سه‌شنبه شما می‌توانید تغییر را انتخاب کنید». اوباما قصد دارد در آخرین هفته از کارزار

تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری این کشور به «جو بایدن» هم حزبی دموکرات خود و نامزد انتخابات ۲۰۲۰ بییوندد و در کارزارهای تبلیغاتی کنار وی باشد. او باما طی روزهای گذشته سه مرتبه به طور مجزا به نفع بایدن سخنرانی کرد. او باما در «پنسیلوانیا»، «میامی» و سرانجام در روز سه شنبه در «اورلاندو» به شدت از «دونالد ترامپ» رئیس جمهور کنونی این کشور انتقاد کرد. دموکراتها امیدوارند که او باما بتواند با سخنرانی‌ها برای سیاه پوستان ولاتین تبارها برای رای دادن به بایدن تاثیرگذار باشد. رئیس جمهور سابق آمریکا در سخنانی گفت که ترامپ، تشنه توجه است. وی که در تجمع انتخاباتی طرفداران «جو بایدن» نامزد دموکرات انتخابات ریاست جمهوری صحبت می‌کرد، گفت: «وی (ترامپ) هیچگونه علاقه‌ای برای کار کردن یا کمک کردن به دیگران به جز خودش و دوستانش ندارد.»

صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند در شکل‌گیری تحولات و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی عوامل مختلفی دخیل هستند که تاثیر برخی از این عوامل، می‌تواند عمده و تاثیر گذارتر از سایر عوامل باشد. عملکرد ترامپ در مقابله با کرونا و تاثیر این پاندمی بر اقتصاد آمریکا، ایجاد ترس و وحشت در میان بخش عظیمی از جامعه آمریکا و دیدگاه‌های نژاد پرستانه و سیاستهای سخنگیرانه وی در قبال رنگین پوستان و مهاجرین، عملکرد منسجم حزب دموکرات و تیم بایدن در مقابل ترامپ، عدم حمایت جدی حزب جمهوری خواه از وی، عدم پایبندی وی به برخی از سنت‌ها و ارزش‌های جامعه آمریکا در گفتار و عمل، دوقطبی نمودن جامعه آمریکا، سیاست‌های وی در حوزه سیاست خارجی، بهداشت و مالیات و در حالت بدبینانه دخالت خارجی در روند انتخابات و.....

"کریستین وینتون"، در مقاله‌ای برای اندیشکده "نشنال اینترست" از دلایل شکست (احتمالی) ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا سخن گفته است. وی در این رابطه می‌نویسد: «دونالد ترامپ را به احتمال زیاد بایستی بازنده بزرگ انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا دانست. تنها چیزی که وی می‌تواند به آن ببالد، رقابت تنگاتنگ و نزدیکش با "جو بایدن" نامزد دموکرات‌ها است که با اختلاف کمی توانست گوی سبقت را از او برآید و آرا الکترال بیشتری را به خود اختصاص دهد». در شرایطی که ترامپ و تیم انتخاباتی وی، از وقوع تقلب گسترده انتخاباتی در برخی ایالت‌های آمریکا حرف می‌زنند، با این حال، اینگونه به نظر می‌رسد که انتخابات پستی و تاثیر آن بر نتیجه نهایی انتخابات، آنها را شدیداً آزرده خاطر کرده و به نظر هم نمی‌رسد که اقدام ترامپ و تیم وی در ارجاع مساله به دستگاه قضایی آمریکا، چندان موثر واقع شود. با این همه، نباید فراموش کرد که دموکرات‌ها نتوانستند به طور کامل نتیجه انتخابات را در نهادی نظیر سنای آمریکا به نفع

خود پایان ببرند. امری که دستِ جمهوری خواهان را برای کنش ورزی‌های قوی و محکم در آینده در عرصه سیاسی آمریکا، باز می‌گذارد. این مساله تا حدی برای جو بایدن و دولت وی نیز در آینده چالش‌زا خواهد بود و وی در زمینه برنامه‌های خود در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا، با تنش‌ها و چالش‌های زیادی رو به رو خواهد شد. با این همه، باید انتظار داشت که تلاش‌های ترامپ و دولت وی در نقض قوانین و مقررات در چهارچوب سازمان‌ها و نهادهای مختلف آمریکا به طور فوری متوقف شود و اوضاع اقتصادی آمریکا نیز دستخوش شرایط جدیدی شود. بایدن اندکی قبل به صراحت اعلام کرده که آمریکا خیلی زود به توافق آب و هوایی پاریس که ترامپ از آن خارج شده خواهد پیوست. وی همچنین پیش از این از پیوستن مجدد کشورش به توافق هسته‌ای برجام نیز خبر داده است. تمامی این مسائل حاکی از اجرای تغییرات گسترده در عرصه سیاسی آمریکا و آغاز دورانی جدید برای این کشور هستند. انتظار می‌رود که بایدن روابط نزدیکی را با چین آغاز کند و امتیازات زیادی را به این کشور اعطا کند. هدف اصلی او از این رویکرد نیز این است که می‌خواهد روابطی دوستانه و با محوریت مسائل تجاری با چین داشته باشد. با این همه، یک سوال مهم در مورد انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا هنوز بی پاسخ مانده است: چه چیزی در بحبوحه انتخابات آمریکا اشتباه پیش رفت و موجب شکست ترامپ شد؟ ترامپ در دوره ریاست جمهوری خود به دلیل موضع‌گیری‌هایش، با دشمنی‌های زیادی از سوی دموکرات‌ها، جمهوریخواهان کنگره آمریکا، مقام‌های ایالتی آمریکا، رسانه‌های آمریکایی، وال استریت و حتی "سیلیکون‌ولی" مواجه شد. وی حتی با چالش‌هایی نظیر استیضاح و برخورد‌های قضایی مکرر با خودش نیز رو به رو شد. با این همه، ریشه‌های اصلی ناکامی ترامپ را باید در بحران شیوع گسترده ویروس کرونا در آمریکا، ناکامی اقتصاد کرونازده این کشور، و بی‌کفایتی تیم و کابینه وی جستجو کرد. تاریخ آمریکا رکوردهای قابل توجه ترامپ در مسائل اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، پایان دادن به رکود در این کشور، و افزایش سطح دستمزدها مخصوصاً برای طبقات متوسط و فقیر این کشور را فراموش نخواهد کرد. با این حال، همه چیز با شیوع گسترده ویروس کرونا در آمریکا و آسیب‌های جدی آن به کارنامه اقتصادی ترامپ تغییر کرد. در واقع، یکی از موفق‌ترین روسای جمهور آمریکا از منظر عملکرد اقتصادی، به یکی از ضعیف‌ترین و آسیب‌دیده‌ترین‌ها در تاریخ این کشور تبدیل شد. امری که موقعیت انتخاباتی او (ترامپ) را به شدت تضعیف کرد. عملکرد کارکنان و اعضای تیم ترامپ نیز در نوع خود یک فاجعه تمام عیار بوده است. تنها می‌توان گفت که شیوع گسترده ویروس کرونا در آمریکا توانسته خسارتی به مراتب بیشتر از این مساله را به ترامپ و موقعیت وی وارد آورد. اعضای تیم ترامپ در سطوح مختلف دولتی، یا کاملاً به او

وفادار نبودند و یا نسبت به پیشبرد دستور کار مدنظر او بی علاقه بودند. مساله‌ای که در نوع خود موجب شد رقبای ترامپ با کمک گرفتن از آن، میزان اعتماد اجتماعی به ترامپ و دولت وی را تا جای ممکن تقلیل دهند. از سویی نباید فراموش کرد که دونالد ترامپ و تیم وی انتظارات نادرستی در مورد میزان جذب آرا مردمی مخصوصا در مناطق حومه‌ای شهرها داشتند. این انتظارات وقتی با توثیق زنی‌های مکرر و شانتاژهای رسانه‌های حامی ترامپ همراه می‌شدند، رای بالای وی در این مناطق را به واقعیتی مسلم و انکار ناپذیر تبدیل کردند که در پایان، نادرستی این گزاره و فرض، خود را در نتیجه نهایی انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا نشان داد. (فرارو، ۱۳۹۹/۸/۱۲۷)

دونالد ترامپ، مورد عجیبی در تاریخ آمریکاست؛ او یکی از ۵ رئیس‌جمهور یک‌دوره‌ای این کشور در تاریخ معاصر به شمار می‌رود اما در جدول کسب بیشترین آرای مردمی، در رده دوم قرار دارد. به همین خاطر است که شکست او همچون دوران رئیس‌جمهوری‌اش پدیده‌ای ویژه و قابل تحقیق است. او در انتخابات اخیر بیش از ۷۰ میلیون رأی کسب کرد و در بخش‌های وسیعی از کشورش گزینه اول رای‌دهندگان بود؛ با این حال مغلوب بسیج همگانی دمکرات‌هایی شد که تداوم حضور ترامپ در کاخ سفید را فاجعه‌ای ملی و تاریخی می‌دانستند. با وجود اینکه اعلام شده جو بایدن، نامزد دمکرات‌ها برنده انتخابات شده، اما ترامپ خود را برای به چالش کشیدن نتیجه آن آماده کرده و تیم حقوقی او برنامه‌های مفصلی برای برگرداندن نتیجه انتخابات دارد. مشخص نیست امیدواری ترامپ برای بازگرداندن نتایج انتخابات چقدر واقعی باشد اما چیزی که می‌توان با قطعیت از آن صحبت کرد این است که رئیس‌جمهور آمریکا، نقشی خودویرانگر در پیروزی بایدن داشته است. رفتارهای ترامپ، تکبر و بی‌تفاوتی‌اش به نگرانی‌های مردم آمریکا، در نهایت رؤیای دیر هنگام او برای اقامت طولانی در کاخ سفید را بر باد داد.

## دلایل سیاست خارجی

### تیغ دولبه کرونا

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۹ اقدامات خود را بیشتر با نگاه انتخاباتی انجام می‌داد. چرا که انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ برای وی به چالش بزرگی تبدیل شده است. مسئله استیضاح، شکست مذاکره با کره شمالی، ائتلاف دریایی ناکام علیه ایران و طرح‌های شکست خورده در مورد فلسطین، همه چالش‌های اساسی و سرنوشت ساز برای ترامپ هستند. در راستای ناکامی ترامپ در سیاست خارجی می‌توان به عدم تغییر رفتار ایران در اثر تحریم‌های حداکثری، انزوای آمریکا در سطح جهانی، توقف مذاکرات هسته‌ای کره شمالی و آمریکا، شکست در ونزوئلا و عقب نشینی در برابر روسیه اشاره کرد. (خبرگزاری آنا، ۹۸/۱۰)

## نتیجه گیری

انتخابات آمریکا از ابعاد مختلفی برای همه کشورها اهمیت خاصی دارد چرا که اکثر مسایل آمریکا از جمله انتخابات ریاست جمهوری تاثیرات خاص اقتصادی و سیاسی در همه مناطق جهانی دارد. ضمن آنکه رسانه‌های جهانی با حساسیت انتخابات آمریکا را پوشش می‌دهند، رسانه‌هایی که برای عامه مردم حقیقت‌سازی می‌کنند. درباره شکست ترامپ می‌توان به دلایل مختلفی اشاره کرد. برخی از این دلایل همان عناصری هستند که عامل به قدرت رسیدن ترامپ در سال ۲۰۱۶ شدند. در مجموع می‌توان این دلایل را بدین صورت ارایه کرد:

دلایل ساختاری: شخصیت ترامپ بخصوص از جنبه اقتدارگرایی، بحران مهاجرت و نژادی، ناکامی درسیاست خارجی، رسانه‌های قدرتمند، نگرش شبکه‌های اجتماعی به ترامپ، تشدید دوقطبی شدن جامعه در آمریکا.

دلایل کوتاه مدت: تاثیر کرونا بر بحران اقتصادی، کنار رفتن (یا کنار گذاشتن) نخبگان و کارشناسان مستقل، موضوع عدم پرداخت مالیات از سوی ترامپ و فساد اخلاقی ترامپ.

## منابع فارسی

### کتب

- تارگارت پل (۱۳۸۱)، پوپولیسیم، حسن مرتضوی، تهران، آشیان
- ریچارد فالکنر، تایر نیومن (۱۳۸۱)، پاشنه آشیل آمریکا، ترجمه احمد علیخانی، تهران، دوره عالی
- کاستلر، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات؛ قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو
- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۷)، جهانی شدن تروریسم، تهران، وزارت امور خارجه
- نش، کیت (۱۳۸۷)، جامعه شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد علی دلفروز، کویر

### مقالات

- احدی افسانه (۱۳۹۵)، دلایل پیروزی ترامپ، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۴۳، آذر
- دهشیار، حسین (۱۳۹۵)، گسل حزبی و انتخاباتی در آمریکا، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰۴، تابستان
- رضایی مهدی (۱۳۹۵)، دیدگاه‌های اقتصادی کلینتون و ترامپ، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰۴، تابستان

### خبرگزاری

- اصفهانی، زهیر (۱۳۹۹/۸/۲۰)، دلایل شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا چیست؟ سایت راهبرد معاصر
- ثمری، محمدرضا (۱۳۹۵/۸/۲۵)، ترامپ یک پوپولیست تمام عیار، خبرگزاری مهر
- حسین زاده، لیلا (۱۳۹۵/۸/۲۹)، گرگ وال استریت، خبرآنلاین
- خبرگزاری آنا، ۱۳۹۸/۱۰/۱۰
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۵/۱۱/۱۳)، ترامپ، سایت فرارو
- ..... (۱۳۹۹/۰۸/۱۱)، ترامپ، سایت فرارو
- ظریف، محمدجواد، (۱۳۹۵/۱۱/۱۹)، اطلاعات
- ویژه نامه شرق، ۱۳۹۶/۲/۱۷